

بررسی واژه‌نامه



این توجیه اجتهاد در مقابل نص است، به دو بیت بعد توجه کنید که آشکارا نشان می‌دهد که «جز» مخفف «جزء» است و «جز پرستی» یعنی «توجه به اجزاء یا کثرات»:

خود شکن گردید و اجزا آفرید

اندکی آشفته و صحرا آفرید

باز از آشفته‌گی بیزار شد

وز بهم پیوستگی کهسار شد

توضیحی هم که برای بیت اخیر داده‌اند، بسیار جالب و آموزنده است: «اشاره است به کثرت در وحدت و وحدت در کثرت و تعینات و مراتب وجود». واقعاً راست می‌گویند که اقبال فیلسوف است. اگر انسان فیلسوف نباشد چطور می‌تواند این همه مطالب فلسفی را در يك بیت بگنجانند؟ البته مصحح در صفحه بعد گشایش مبحث تازه‌ای را هم در فلسفه به اقبال نسبت می‌دهد، چون در توضیح يك بیت می‌گوید که «در باب اصالت حرکت و وجود سخن می‌گوید» (ص ۱۸)!

خلاصه کنیم: کمتر بیتی در این کتاب هست که خواننده بخواند و به خود نگوید که کاش مصحح این بیت را توضیح می‌داد، و کمتر توضیحی هست که خواننده پس از خواندن آن به خود نگوید که کاش این توضیح را نداده بود. شارح در حواشی فقط مواردی را توضیح داده که توضیحی برایش آماده داشته (و اغلب به غلط)، نه مواردی را که احتیاج به توضیح داشته. به محض اینکه کوچکترین شباهتی میان شعری از اقبال و شعری قدیم دیده فوراً حاشیه رفته و به ادای توضیحاتی که اغلب نامربوط است پرداخته. در توضیح کلمات و اسامی خاص متکی به حافظه بوده (مثلاً عمر و بن معدی کرب را به جای عمر و بن عبدود گرفته) حاشیه ص ۴۷، و در بیان مطالب فلسفی اغلب از شنیده‌های خود، که به هیچ وجه دقیق نیست، استفاده کرده است.

ما قضاوت در این باره را که آیا مصحح به وعده‌ای که به خواننده داده است وفا کرده یا نه، به عهده خوانندگان می‌گذاریم و فقط، محض رعایت انصاف، می‌گوییم که اگر غرض او پنهان داشتن اسرار و رموز شعر اقبال از چشم خوانندگان نااهل بوده است الحق در کار خود موفق شده است.

واژه‌نامه شیمی

مقاله زیر در اصل به صورت نامه‌ای از سوی فرهنگستان زبان برای مرکز نشر دانشگاهی ارسال شده است. از آنجا که مرکز انتقاد سازنده را بهترین وسیله برای پیشرفت کار خود می‌داند و نیز این نامه حاوی پاره‌ای پیشنهادهای اصولی در زمینه گزینش واژه و انتقاداتی به واژه‌نامه شیمی است درج آن را برای عموم صاحب نظران و استفاده کنندگان از این واژه‌نامه مفید می‌داند.

ضمن آرزوی موفقیت برای گروه واژه‌گزینی فرهنگستان ایران، امید است این کار خیر از سوی دیگر مراکز علمی و فرهنگی و صاحب نظران و متخصصان فن دنبال شود تا از این پس کتابهای مرکز با بهره‌گیری از این گونه انتقادهای سازنده آراسته‌تر و پیراسته‌تر عرضه گردد.

ن. د.

واژه‌نامه شیمی؛ انگلیسی - فارسی. تهران. ستاد انقلاب فرهنگی - مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۰. ۹۴ صفحه.

تدوین و تنظیم واژه‌نامه شیمی حاوی ۲۳۰۰ واژه و اصطلاح اساسی رشته شیمی همراه با معادلهای پیشنهادی و یا کاربرد یافته فارسی که با همت و علاقمندی فراوان اعضای گروه تخصصی شیمی آن مرکز به انجام رسیده است از نظر فرهنگستان تلاشی سودمند محسوب می‌شود و چنین اقدامی در مورد عموم رشته‌های علوم و فنون ضروری است. امیدوار است تمامی گروه‌های تخصصی فعال در مرکز نشر دانشگاهی به چنین اقدام ارزشمندی مبادرت ورزند تا آمادگی لازم برای اجرای مراحل نهایی و تعیین

معادل‌های دقیق و قطعی برای واژه‌های بیگانه هر رشته علمی با مشارکت عموم صاحب‌نظران و علاقمندان فراهم گردد.

از سوی دیگر، ضمن تأکید بر نظر کلی فوق، فرهنگستان زبان اعتقاد دارد که اظهار نظر قطعی درباره معادلهای فارسی واژه‌های علمی و فنی با حضور و مشارکت استادان و کارشناسان رشته‌های مربوطه امکان‌پذیر است و داوری بدون اطلاع از ماهیت تخصصی و کاربردی این گونه واژه‌ها نمی‌تواند از اعتبار علمی کافی برخوردار باشد و چون این سازمان، به دلیل اشتغال در زمینه‌های فرهنگی، از وجود متخصصان رشته شیمی بی‌بهره است، علی‌رغم بررسی دقیق تمامی لغات و اصطلاحات مندرج در واژه‌نامه، از اظهار نظر کامل و قطعی در مورد یکایک آنها معذور است. از این رو، اظهار نظر زیر را به ارزیابی کلی واژه‌نامه در رابطه با ساخت و گزینش معادل واژه‌های غربی محدود می‌نماید.

خلاصه نظرها و پیشنهادها: بخشی از واژه‌های معادلی که در این مجموعه آورده شده با دقت و توجه فراوان انتخاب گردیده و از ارزش علمی کافی برخوردار است. نمونه‌های زیر از این نوع است:

initiator	آغازگر
instability	ناپایداری
polychroism	چندرنگی
detector	آشکارساز
work function	تابع کار
capture	ربایش
nuclear fission	شکافت هسته‌ای
absolute pressure	فشار مطلق
chromophore	رنگزای
reductant	کاهنده
synchronous	همزمان
hypnotic	خواب‌آور
agitator	همزن
wave length	طول موج

در عین حال بخش دیگری از واژه‌های پیشنهادی با نارسایی و ضعفهایی همراه است که در زیر به شرح کلی آنها می‌پردازد:

۱- در واژه‌نامه موجود نزدیک چهارصد مورد واژه‌های غربی عیناً به کار رفته است و علی‌رغم اسم خاص بودن تعدادی از آنها

و یا عدم لزوم واژه‌گزینی در برابر تعدادی دیگر به دلایل مختلف، لزوم تلاش‌های بیشتر برای فارسی کردن صورتهای غربی قطعی است. موارد زیر صرفاً به عنوان نمونه و پیشنهاد مطرح می‌شود:

الف) ایزوتوپ isotope: این کلمه از اجزاء یونانی iso به معنی «هم» + tope از topos به معنی «جا و محل» تشکیل شده و معادل فارسی آن «همشن» از «هم» + «شن» به معنی «جا و محل» مانند «گلشن» و «باغشن» پیشنهاد می‌شود.

ب) فیلم film: کلمه انگلیسی که در اصل به معنی «پوست نازک» بوده و در مقابل آن «توز» فارسی به همین مفهوم و با بار معنایی تازه برای کاربردهای مختلف آن پیشنهاد می‌شود.

پ) سیستم system: این لغت از صورت یونانی sustema شامل دو جزء su به معنی «با هم» و histanai به معنی «ایجاد کردن» تشکیل شده و در برابر آن «هنداد» از «هن» که صورت کهنه «هم» می‌باشد + «داد» در معنی اسم مفعولی از «دادن» به معنی «ایجاد کردن و ساختن» پیشنهاد می‌شود.

ت) کمپلکس complex: از اجزای لاتین com به معنی «بهم» + اسم مفعول plectere به معنی «تاییدن» تشکیل شده و در برابر آن «همتافت» پیشنهاد می‌شود.

ث) در برابر ماکسیم maximum واژه‌های «بیشینه و بیشترین» و در برابر می‌نیم minimum واژه‌های «کمینه و کمترین» و همچنین معادل‌های «حداکثر و حداقل» وجود دارد که هیچ اشاره‌ای به آنها نشده است.

ج) در برابر micro می‌توان از صورت «ریز» استفاده کرد مانند «ریز موج» در مقابل microwave.

چ) معادل فارسی کنفورمر conformer که از com به معنی «هم» + form به معنی «شکل، سان و دیس» ساخته شده قاعدتاً «همسانگر و یا همدیسگر» خواهد بود.

۲- علاوه بر مسئله فوق، دلیل دیگر فراوانی کلمات غربی بجای معادل‌های فارسی در واژه‌نامه شیمی کم بها دادن به معادل‌های فارسی است. مثال:

الف) واژه «بسیار» که در برابر polymer پیشنهاد گردیده تنها در یکی دو مورد بکار رفته است ولی در سراسر جزوه کلمه «پلی‌مر» عیناً ثبت شده است، مانند پلی‌مر افزایشی (صفحه ۱۱)، پلی‌مر اتاکتیک (صفحه ۱۵)، پلی‌مر تراکمی (صفحه ۲۳)، پلی‌مر سر به سر و پلی‌مر سر به دم (صفحه ۳۷)، پلی‌مر جور (صفحه ۳۹)، پلی‌مر زنده (صفحه ۴۶)، پلی‌مر کردن و پلی‌مر شدن (صفحه ۲۸)

(۶۸)

ب) علی‌رغم واژه درست و زیبایی «هم‌ارز» و یا «معادل» در برابر equivalent صورت غربی آن هم عیناً با املائی «اکی‌والان» (صفحه ۳۲) آمده است.

پ) در مقابل hydrolysis فقط صورت «هیدرولیز» قرار گرفته است و جالب این که در مقدمه همین جزوه، واژه «آبکافت» به عنوان یک واژه نمونه که با کمک فعل «کافتن» ساخته شده آورده شده است.

بدیهی است که ثبت صورتهای غربی به ترتیب فوق مجوزی برای کاربرد آن صورتهای محسوب خواهد شد و در نتیجه، لغات و اصطلاحات غربی به دلیل مانوس بودن و کاربردهای قبلی با اطمینان و رغبت بیشتری به کار خواهد رفت و به این ترتیب هدف‌های واژه‌گزینی تأمین نخواهد شد. یادآوری می‌نماید که تجویز کاربرد عین لغات غربی در صورتی درست است که پیشنهاد معادل فارسی برای آن امکان پذیر نباشد و یا زمانی طولانی از ورود واژه به فارسی گذشته باشد.

۳- تداخل معنایی و کاربردی تعدادی از معادل‌های فارسی، واژه‌نامه حاضر را در مواردی از صورت یک واژه‌نامه تخصصی و اختصاصی علمی خارج نموده است. در چنین واژه‌نامه‌ای هر واژه، همان طور که در مقدمه کتاب آمده است «باید هویت کاملاً مشخص و ممتاز داشته باشد» و عدول از این اصل تشتت معنایی و کاربردی فراوان به دنبال خواهد داشت مثال:

الف) کلمه «تجزیه» در برابر چهار اصطلاح decay, disintegration, decomposition, analysis مترادف هستند به کار رفته است و حال آنکه استادان ارجمند رشته شیمی آگاه‌اند که از نظر علمی هر یک از اصطلاحات فوق بر مفهوم دقیق و مشخصی دلالت می‌کند که کم و بیش با مفهوم و بار معنایی واژه‌های دیگر متفاوت است بخصوص اگر پنج اصطلاح, molder, putrefy, rot, spoil, crumble را هم که همگی مترادف واژه‌های مذکور (بجز analysis) می‌باشد بر آنها بیفزائیم، اشکال مورد بحث بیشتر مشهود می‌شود. بنابر این، واژه «تجزیه» را نمی‌توان در برابر اصطلاحات بالا رسا و دقیق دانست. از طرف دیگر، درست

دقت بیشتر قرار گیرد مثال:

الف) در برابر efficiency واژه‌های «راندمان و بازده» پیشنهاد شده و حال آنکه «کارایی» درست‌تر و دقیق‌تر است.

ب) در مقابل subscript «زیروند و زیرنویس» و در برابر superscript «بالاوند و بالا نویس» آمده است که دو واژه

«زیرنویس و بالا نویس» درست‌تر است.

پ) بجای «ماده ضد چسبندگی» در برابر abherent «پادچسب» مثل «پادزهر» مناسب‌تر و کوتاه‌تر است.

۶- در مواردی که واژه‌های جدید و احیاناً ناآشنا در برابر

اصطلاحات غربی پیشنهاد می‌شود مانند «همپار، شار، بسپارش و

شاره» توضیح ساختمانی این واژه‌ها و نیز اصطلاحات غربی

معادل آنها کاملاً سودمند است چه در غیر این صورت به دلیل عدم

اطلاع از اجزاء و چگونگی ساخت صورت‌های جدید احتمالاً

تردیدهایی نسبت به کاربرد آنها پیش خواهد آمد و این گونه واژه‌ها،

علی‌رغم درستی و دقت، از کاربرد لازم برخوردار نخواهد شد و

دست کم استفاده از آنها با مشکلاتی همراه خواهد بود.

امید است که نظرها و پیشنهادهای فوق در بهبود چاپهای

بعدی واژه‌نامه سودمند واقع شود و فعالیت‌های واژه‌گزینی مرکز

نشر دانشگاهی با توفیق روزافزون همراه باشد.

فرهنگستان زبان - گروه واژه‌گزینی

است که علاوه بر «تجزیه» کلمات «تباهی، تلاشی، فروپاشی و تحلیل» هم در برابر صورتهای انگلیسی پیشنهاد شده است ولی اصل اشکال به قوت خود باقی است و بلا تکلیفی و سرگردانی خواننده ادامه خواهد یافت.

ب) پنج واژه «فرایند، تحول، روند، روش و جریان» در برابر process ذکر شده است و حال آنکه «روش» در مقابل method

«روند» در برابر trend و «فراشد» بجای process مناسبتر است.

۴- در بعضی موارد تعریف واژه بجای معادل فارسی آن آورده

شده است. مثال:

الف) depolymerization با تعریف «آزاد شدن تدریجی

مونومرها از انتهای پلی‌مرها»

ب) solvation با تعریف «تجمع مولکول‌های حلال به دور

اجزاء جسم حل شده».

بدیهی است که گزینش معادل فارسی در برابر این

اصطلاحات ضروری و امکان‌پذیر است.

۵- بعضی از معادلهای پیشنهادی بهتر است مورد بررسی و

